

دروغ پردازی

صهیونیست ها

باز هم آشکار شد

به نظر می‌رسد موج حمایت چهره‌های هنری و نخبگان اروپا و آمریکا از مردم فلسطین، طرفداران رژیم صهیونیستی را به‌صرافت انداخته است تا با ساختن خبرهای جعلی، برای اسرائیل طرفدار بپتراشند، تلاشی که خیلی سریع واکنش برانگیز و دروغ بودن آنها آشکار شد. در همین راستا، آسوشیتدپرس خبر داد ویدئویی که نشان می‌دهد رابرت دنیرو در حال تمرین برای سریال تنفلیکس است و گفته شده

گفت‌وگو با دکتر احسان جندقی، عضو هیأت علمی

گروه عرفان اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب

حمله مشکوک به

عصر طلایی تمدن اسلامی

ساخت سریال حشاشین که سراسر تحریف بزرگان ایرانی و کوشش و راستکاری آنها در مقاطعی از تاریخ

«ایران فرهنگی» است، به سفارش جریان صهیونیستی و به دست اسلام سکولار را باید یک توطئه عمیق

فرهنگی دانست که این روزها که نیروهای مقاومت در میدان حضور دارد، قصد دارد تا شمالی دگرگون از اندیشه اسلامی را در جهان بازنمایی کند. جنبش‌های اجتماعی و فرهنگی ایران در سده‌های درخشش تمدنی، جدا از این که سرانجام به کدام سمت و سو لغزیده‌اند را نمی‌توان به صرف برجسب‌های دشمنانی که پس از آنها آمدند، یا تفرقه‌افکنان غربی و صهیونیست‌های افراطی، یکسره منفی شمرد و میراث‌شان را ناچیز انگاشت یا به فراموشی سپرد. دستاوردهای موثر جنبش حسن صباح ابعاد مثبتی داشت؛ به گونه‌ای که همچنان جای کار و پژوهش دارد. بر همین اساس با دکتر احسان جندقی، دین‌پژوه درباره اهداف پنهان ساخت چنین سریال‌هایی به گفت‌وگو نشستیم و می‌گوییم معیار خلوص یا کژگرایی را در پیروان مذاهب اسلامی، به شکل گزرباره دست بیاوریم.



علی‌نظاهری

گروه فرهنگ و هنر

۱۴۱ وقتی خودمان از خودمان بی‌خبریم و نمی‌گوییم گذشته را با پژوهش و آگاهی، چراغ آینده سازیم، در جنگ نرم فرهنگی که از قضا مهم‌ترین میدان هم‌اوردی است، کم می‌آوریم؛ در حالی که ملت ما با فرهنگش بر یورش امثال چنگیزها، تیمورها و... پیروز شده، مثلاً دشمنان از حسن صباح باستانیش یاد کرده‌اند؛ کسی که برخلاف واقع در سریال حشاشین با اهریمن، هم‌سوئی و هم‌پیمانی دارد، مخوف و جلاد و سنگدل است، دادگری در ذاتش نیست و داعش مجسم است؟

باید در همان بستر رویداد مطالعات تاریخی داشته باشیم. سخنی هست که در کتاب‌های تاریخی مانند مقدمه ابن خلدون و... مکرر شده؛ این‌که هر جامعه‌ای تاریخ خودش را نشانسان ناگزیر از تکرار آن است و محکوم به تکرار کردن تاریخ زیسته خودش. از مشکلات امروز ما که حتی جامعه علمی را آلوده خودش کرده، عدم رویکرد تاریخی به مباحث است. تاریخ همه پاسخ‌ها را نمی‌دهد و بی‌نیاز از مباحث دیگر نیستیم اما بدون پژوهش و خوانش تاریخ به سراغ مکتبی مثل اسماعیلیه رفتن اشتباه‌است.

پرسش شما دقیق بود، تاریخ اسماعیلیه متأسفانه بریده‌بریده و ناقص است. بخش‌هایی از تاریخ اسماعیلیه در برهه‌های قابل‌توجهی پاک‌شده که از مهم‌ترین عوامل همان‌اند‌شمعی جریان‌های مخالفی است که پس از دستیابی به قدرت، در سرکوب و نابودی این گروه کوشیدند؛ همانند رخداد‌های پس از گشودن درالموت. مثلاً حضور خواجه نصیر در دژ اسماعیلیه محل بحث است که آیا به اجبار و از سر ناگزیری در آن دژ حضور داشته یا بنا به ضرورت‌هایی یا به دلخواه در آنجا به پیگیری اندیشه‌ها و نوشتن آثارش پرداخته. البته پشتوانه علمی و دانش ذخیره و محفوظ شده در دژ الموت را از یاد نبریم. آثاری که استادالبشر در این دوره نوشته، نشان از آرامش ذهنی او، همچنین در دسترس بودن آثار مهم آن روزگار دارد. نکته زیبای ماجرا اینجاست که دیباچه آثار این دوره را پس از یورش هولاکو بازنویسی کرد. یکی از کارهای پژوهشگران همین است که در تاریخ اسماعیلیه چنان که بودند بپردازیم، نباید اجازه بدهیم بیگانگان و بیرونی‌ها به تولید داده‌هایی بپردازند که با واقعیت‌های تاریخی ما همخوان نیست. تخیل دیگران یا معاند است یا متناقض با حقایق تاریخی ایران فرهنگی مسلمان؛ همچنان که هالیوود با فیلم ۳۰۰ آن چهره دروغین را از خشایارشاه نشان داد و ما متغفلانه جا خوردیم؛ هر چند با جدیت درباره همخوان نبودن آن نمایش با تاریخ و واقعیت‌هایش داد سخن دادیم. باید با جدیتی بیش از چنین واکنش‌هایی به مواجهه با این همه‌ها بپردازیم.

۱۴۲ جهان امروز، تصویری و تصویرگر است. تولیدات تصویری کمک مهمی است در این راستا از راه مواجهه با چنین تولیدات ضد ایرانی و ضد اسلام که خلاف تاریخ و پیشینه فرهنگی و تمدنی ماست؟ راه همین است که تاریخ خودمان را بشناسیم. اگر تولیدات فرهنگی این چنینی مثل سریال حشاشین، نقض تاریخی دارد و واقعیت رخداد‌ها را نادرست و در راستای اهداف دشمنانه خودش‌ان جعل کرده و نشان داده، برای منافع خودش‌ان با بهره‌برداری از منابع ما به تولیداتی دست زد‌اند که به زیان همه جانیبه ماست.

اما آیا باید فقط داد سخن بدهیم که داده‌های این چنینی درست نیست و غلط است؟ پاسخ محکمه پسند و متقن ما چیست؟ آیا کتابی تالیف کردیم که پاسخگوی مسائل تاریخ شیعه برای پرسشگران جوان باشد! شمدار باره شریعت و ظواهر و باطن گرایی بحثی باز کردید، آیا پژوهش جامع، مانع و مستقلی داریم تا ببینیم مثلا همین اسماعیلیه در سده‌های هفتم و هشتم هجری آیا جریانی ضدشریعت و اباحه‌گرو بود یا برعکس برای احیای شریعت کوشش داشت، ریشه‌ها را بشناسیم و در حواشی غرق نشویم؛ گویان که برداشت مورخان و روایان در فضایی غلبه فقه رایج اهل سنت از

اسماعیلیه و فقه آنها با سوء تفاهم همراه نبوده؛ به‌ویژه که تنوع و تکثر، ویژگی احکام فقهی است.

۱۴۳ نقطه آسیب‌پذیری و ضعف ما در بازه کنونی؟

همین که تاریخ ما و جنبه‌ها و ابعادش بررسی و پژوهش و کاویده نشده، به‌ویژه که در عصر ذهیبه، طلایی و دوران مشهور به عروس در تمدن اسلامی شاهد بروز این جنبش‌های فکری و فرهنگی هستیم و ظهور بسیاری جنبش‌های اجتماعی و فرهنگی ایرانی با برجسب‌های دینی بدنام یا منزوی شده‌اند یا آنهایی که رنگ و بویی دینی داشتند از آن روکه تاریخ را فاتحان می‌نویسند، توسط دشمنان‌شان معرفی شده و از آنها یادی شده است.

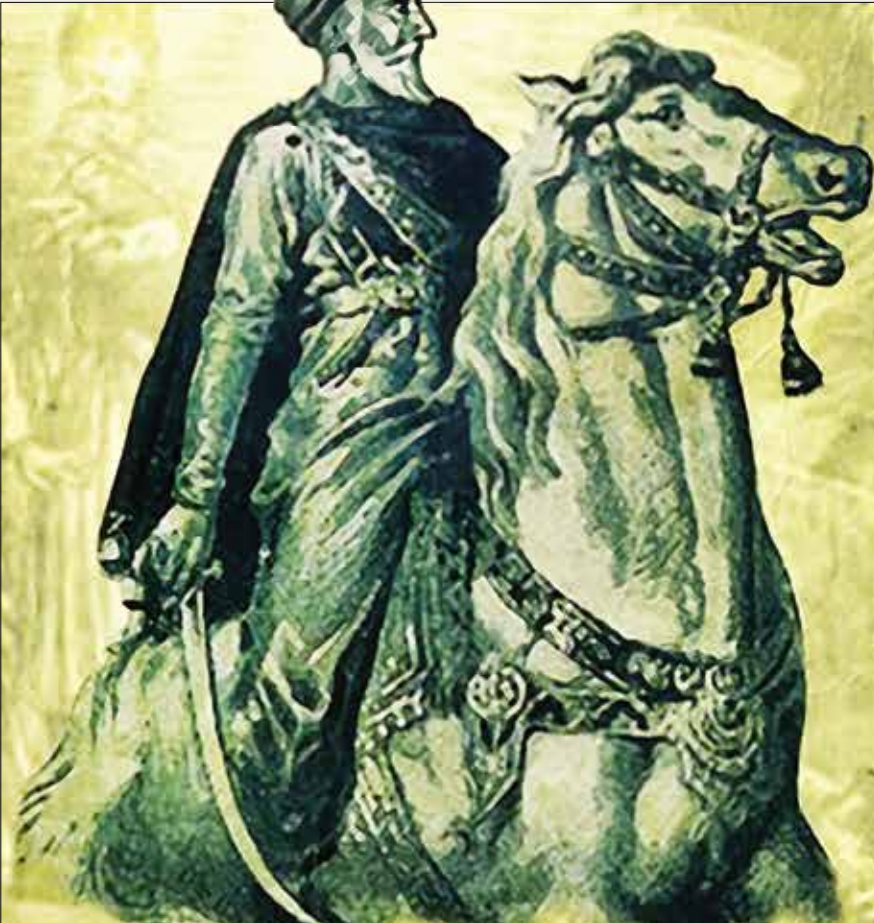
برش

+

حقیقت پارادوکسیکال

الان چنان با تزلزل بنیادهای دینی روبه‌رو شده‌ایم (هرچند این محل بحث است) که تاکید عزیمی بر شریعت، به نظر می‌رسد زیاده‌را هکار و چاره‌گر نباشد، چراکه اصل باور به دین بایستی اولویت نخست باشد و پرداختن به اولویت نهمی در بازه فعلی و استحکام بخشی به اصل دین، ضرورت‌های

سر معترضان ضداسرائیلی فریاد می‌زند، یک خبر نادرست و فیک است. در حالی که ادعا شد رابرت دنیرو، بازیگر فیلم در حال فریاد زدن بر سر معترضان ضداسرائیلی در شهر نیویورک است، سخنگوی تنفلیکس گفت: دنیرو در حال تمرین صحنه‌ای برای سریال آینده خود در تنفلیکس با عنوان «روز صفر» در حال فیلمبرداری در خیابانی در شهر نیویورک بود. نظرات او بخشی از فیلمنامه است و ربطی به جنگ اسرائیل



چگونه می‌شود در عصر طلایی تمدن اسلامی (که یکسره ایرانی است البته) یک جنبش مانند اسماعیلیه یکسره انحرافی بوده باشد مگر با محیط خودش همخوان نبوده؟ که این قضیه با موفقیت‌های بزرگ و نفوذ سریع‌شان در گستره کشورهای ایران فرهنگی نمی‌سازد یا دوران قابل توجه حکومت استوار و طولانی فاطمی‌ها را مصر ببینید که دورانی پایدار بوده یا حکومت‌شان با مرکزیت دژهای ایرانی با آن دوران سیاسی مستقل با آن دوام و استحکام را در نظر بیاوریم؛ مگر می‌شود حکومتی دینی، پایدار باشد اما نتواند پیروان و مردمانی را قانع کند که در تعامل با آنها ادامه حضور یافته و در مواجهه با مخالفانش جنبه اقتناعی نداشته باشد.

طبیعاً تاریخ را دشمنان آنها پس از شکست دادن‌شان نگاشته‌اند و اگر دستکاری وقایع و حقایق را بزرگنمایی نکنیم، مورخانی که به تاریخ آنها اشاره داشتند با اسماعیلیه ناسازگار بودند؛ زیرا در عالم واقع مگر می‌شود در کشوری با ویژگی‌های فرهنگی ایرانیان و روحیات صلح‌جو و انسانیت‌گراشان بتوان

با ویژگی‌های افراطی (چنین که سریال حشاشین نشان داده یا افسانه‌های صلیبی‌ها و مارکوپولو و دشمنان برای دوسده دوام آورد؟ تازه چگونه می‌شود پس از حسن صباح تا چند سده، در مناطق الموت و پیش از آغاز به کارهای جمعی (دوک و تخریبی زنان مثلا به گزارش دکتر

باستانی‌پاریزی) به روان او دروغ می‌فرستادند. ما در جامعه می‌بینیم هیچ جنبش افراطی و تندرویی با هر نگاه و بینشی، دوام چندان‌ی نداشته و نخواهد داشت، اگر توان قانع



جدیدی می‌طلبد. صدالبته با استحکام بخشی به اصل و بنیان دین می‌توان در ادامه برای باورمندان به ظواهر نیز پرداخت. در مقطع کنونی اما دیگر تاکید صرف به ظواهر شریعت پاسخگوی جامعه نیست. البته نمی‌گوییم این سخن قابل نقد نیست و کاملاً درست است اما این دیدگاه را باید جدی گرفت؛ این‌که اندیشمندان و متخصصان باید برای روش‌های دین‌پناهی و اسلام‌یاری به بازیابی‌هایی در روش‌های مان بپردازند. از مهم‌ترین افتراق‌های جریان

و حماس یا اعتراضات پیرامون آن و مسائل دیگر ندارد. با سرکوب اعتراض‌های دانشگاهی در سراسر آمریکا توسط پلیس، ادعاهای نادرست پیرامون این ویدئو در فضای مجازی پخش شد. یکی از نسخه‌های برجسته این ویدئوی نادرست با برجسب «رابرت دنیرو در کنار اسرائیل ایستاده است!» منتشر شد تا نشان دهد این بازیگر محبوب برنده دو جایزه اسکار، دارد از اسرائیل حمایت می‌کند.

می‌شمردند و اکثر اندیشگران به این باور داشتند...هرچند شماری نیز باور دارند خود تغییر، همان باطن است و ظاهر و باطن از یکدیگر جدا نیستند. البته بودند کسانی که در این زمینه به افراط رسیدند و از ظاهر عدول کرده، دیگری به آن قائل نبودند و ادعاشند از ظاهر عبور کرده‌اند. مسأله تکر ظاهر[شریعت همانند عبادات حج، نماز و روزه] از منتقدان اسماعیلیه به آنها نسبت داده‌اند ولی نمونه‌هایی که در تاریخ داریم، مطوف به افراد و تنی چند از چهره‌های سرمدمدارشان است.

۱۴۱ **خود باطنیان/باطن‌گراها باور دارند که ظاهر چوبان پل است و از رهگذر آن به باطن می‌توان می‌رسید.**

بررسی که در این باره به درستی طرح کردید، بحث شریعت و تکالیف شرعی است که پیوستگی غیرقابل انفکاکی با ظاهر دارد؛ همانند نماز، روزه و حج. باطن‌گراها همین ظاهر را به تاول می‌برند یعنی به اصل بنیادین و حقیقت بلا تغییر اولیه‌اش ارجاع می‌دهند. تا اینجا شاید شماری مهمل با این برداشت و نگره باشند که حقیقتی در پس ماجراها هست اما اشکال در ادامه همین روند یعنی تاول‌گرایی رخ می‌نماید. یعنی این بزرگاه که؛ باطنیانی ادعا می‌کنند اگر من به آن حقیقت [از رهگذر طریقت] رسیدم، دیگری می‌توانم نیازی به این پوسته و قشر بیرونی (یعنی ظاهر شریعت) نداشته باشم.

مثال مشهور در فهم این ادعا همان بام و نردبان است که با رسیدن به پشت بام دیگر نیازی به خودنردبان نیست؛ و تنها تا رسیدن به پشت بام به پله نیاز هست نه پیش از آن! تا جایی این نگره پیش می‌رود که در مرحله‌ای این ظاهر را مانع می‌شمارد که نه فقط کمک‌کار سالک حقیقت نیست بلکه در جاهایی از طریق وصول به حقیقت، همین ظواهر به حجاب تبدیل می‌شود؛ و باید با کنارگذاشتن حجاب‌ها به حقیقت خالده واصل شد. البته این ادعایی است که مخالفان درباره باطن‌گرا مطرح می‌کنند مثلاً این که اهل باطن در مرحله‌ای علم را مساوی با حجاب اکبری می‌شمارند!

۱۴۲ **شمار برای روشنگری و حل این مسأله در سخنان مان از سه مؤلفه یاد کردید. اکنون به آن سه نکته می‌توان اشاره کرد؟**

تکثر و تعدد در فقه امری طبیعی است. برداشت‌های متفاوت در راستای استنباط احکام از روایات و سنت (خاندان پیامبر یا صحابه) و قرآن به طیف فتواییی انجایدیه که از قضا به خاطر رعایت موازین و چارچوب‌های علمی و پذیرفته شده، علمی و تحسین برانگیز است، این همه تکثر و تعدد را در فتواها و فتوحشان که ببینیم، باید توجه کنیم هنگام نقد مخالفان مان ممکن است تفاوت برداشت پیش بیاید. تضارب آرای علمی طبیعی است اما نباید به تفرقه بینجامد. مثلاً هنگام نقد باطن‌گراهای اسماعیلی یا بررسی منتقدانه صوفیه ممکن است نوع برداشت و ادراک مادر کنش انتقادی، مساوی با مطلوب و دلخواه مان از کار درنیاید. زیرا برداشت‌ها از چنین داده‌هایی خواه ناخواه متفاوت خواهد بود و (مغولاً) با توجه به مثالی که در فقه زده شد، تکثر، لازمه چنین فضایی است.

پیش بیاید. تضارب آرای علمی طبیعی است اما نباید به تفرقه بینجامد. مثلاً هنگام نقد باطن‌گراهای اسماعیلی یا بررسی منتقدانه صوفیه ممکن است نوع برداشت و ادراک مادر کنش انتقادی، مساوی با مطلوب و دلخواه مان از کار درنیاید. زیرا برداشت‌ها از چنین داده‌هایی خواه ناخواه متفاوت خواهد بود و (مغولاً) با توجه به مثالی که در فقه زده شد، تکثر، لازمه چنین فضایی است. و تحسین برانگیز و باآفرین همین امر است، یعنی تنوع برداشت‌های فقهی از پرتوهای روشنگر دین اسلام که نشان حیات طبیه قرآنی و زیبایی‌های ارجمند دین‌مداری را به چشم می‌آورد!

۱۴۳ **تغییرات و تحولات فقه را در سیر تاریخی‌اش که بنگریم و مقایسه کنیم، درمی‌یابیم خود عبادات، زهد، ریاضت‌های شرعی و... نیز روند متنوعی داشته. مثلاً سنت‌های صوفیانه، همین ریاضت شرعی و زهد را به تأمین و صحابه پیامبر به ویژگی امام ما علی (ع) می‌رسانند.**

این زهد به نوعی یعنی «رعایت حداکثری ظواهر شریعت» مثلاً زاهد، فراتر از نماز واجب به انجام مستحبات و تعقیبات نیز ملزم است. پس در زهد بیشتر به ظواهر تاکید داشتند اما به دلایلی در روند تاریخ، جریان‌هایی پیدامی‌شوند که غایت سلوک عرفانی را فقط ریاضت شرعی و زهد (تقید به فقه اسلامی) نمی‌شمارند. در صوفیان مثلا جریانی پراکنده مشهور به صوفیان ضاله، جهله صوفیه و صوفیان منحرف چنین اعتقاداتی داشتند و نکته دوم این که البته باید در بستر تاریخی خودشان مطالعه شوند تا اشتباه در برداشت پیش نیاید یا رفتار اینها مساوی با تصوف متشرع به شمار نرود به‌ویژه درباره این ادعاها که راه وصول به حقیقت را منحصر به زهد و عبادت نمی‌دانستند و مسائل و کردارهای دیگری را مهم تلقی می‌کردند. نکته سوم این که در فراز پیش‌رو هرگز حمایت از اباحگری و تقفیدی منظور ما نبوده و نیست. مسلمانی رعایت نکردن آداب شریعت و عدم پایبندی به ظواهر دینی بی‌شک خلطاست. اما در زمانی که اصل دین در خطر است و سکولاریزم و مبارزه با دین (یعنی مبارزه با تمام ادیان) در بازه کنونی به شکلی گسترده دیده می‌شود، آیا پرداختن صرف به ظاهر و تاکید بر ظواهر تا چه حد لازم است.

چهره

سمت درست تاریخ بایستیم

در حالی که هالیوود به عنوان ابرازی برای تطهیر رژیم صهیونیستی استفاده می‌شد، امروز بازیگران و شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی آمریکایی در حال روشن کردن مواضع خود علیه این رژیم هستند و فشارهای صنفی و سیاسی برای ساکت کردن هنرمندان و دست کشیدن از حمایت‌شان از فلسطینیان به جایی نرسیده است. سوزان ساراندون، بازیگر مشهور آمریکایی که تاکنون چهار مرتبه به شکل متوالی نامزد جایزه اسکار شده و یک بار نیز جایزه اسکار را دریافت کرده با حضور در جمع دانشجویان معترض به جنایت غزه می‌گوید: «مبارزه ما می‌تواند در داور باشد، ولی با رنجی که مردم غزه ۷۵ سال است آن را می‌چشند قابل مقایسه نیست، مردم را تشویق می‌کنیم که طرف درست تاریخ بایستند.» وی ادامه داد: «دشمن ما، سکوت کسانی است که به تماشای کودکان تلف شده از رسنگی نشسته‌اند. مادرانی که تاله می‌کنند و پدرانی که زیر آوار به دنبال خانواده‌های خود می‌گردند.» این بازیگر مشهور هالیوود در رابطه با فشاری که به حامیان فلسطین می‌آید، می‌گوید: «این اعتراض شاید معیشت ما را نابود کند و دوستان و خانواده‌های مان را از دست بدهیم، ولی صدها هزار نفر در فلسطین و میلیونها نفر در دنیا برای فلسطین ایستاده‌اند.»



سینما حقیقت

«راز عیسی» آشکار شد

فیلم مستند «راز عیسی» که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و بنابه سفارش استاد محمود فرشچیان ساخته شده به زندگی و آثار زنده‌یاد عیسی بهادری، مدیر و بنیان‌گذار هنرستان هنرهای زیبای اصفهان و یکی از بزرگ‌ترین احیاکنندگان هنرهای سنتی ایران در دوره معاصر است که توسط مرکز گسترش سینمای مستند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۴۰۲ تولید شده و سپس توسط اداره نظارت بر نمایش و صدور این روزخانه، پروانه نمایش دریافت کرده است. در این مستند ضمن معرفی هنرستان هنرهای زیبای اصفهان و نمایش آثار فاخر زنده‌یاد استاد بهادری، به مصاحبه با شاگردان و نزدیکان ایشان از جمله شاگرد ممتاز و فاخرشان استاد محمود فرشچیان و استادانی مانند جعفرقلی دادخواه، هجرتی، فرهادیه، افتخاری، مصری پور، عقیلی و... پرداخته شده و در مورد نحوه آموزش‌های استاد بهادری و خاطراتی از ایشان صحبت می‌شود.



قاب



«تاوان»، فیلم جدید اکران

از چهارشنبه، ۱۹ اردیبهشت‌ماه قرار است دو فیلم «تاوان» و «نیلگون» هم راهی اکران شوند و احتمالاً اکران برخی فیلم‌ها نیز به پایان خواهد رسید.

تاوان ساخته رامین سهراب‌زاده با تهیه‌کنندگی محسن صراف‌ی‌گویا همان فیلم «لایه‌های دروغ» است که سه سال قبل در جشنواره فیلم فجر رونمایی شد.

این فیلم تولید مشترک ایران و فنلاند و در ژانر اکشن است که جسیکا ولف، مجید سعیدی، علیرضا خارکن، ونوس کاملی، نادر فلاح و علی میرعلیزاده در آن بازی کرده بودند.

فیلم نیلگون نیز ساخته حسین سهیلی‌زاده و محصول حدود پنج‌سال قبل است که محمدرضا فروتن، میترا حجار، همایون ارشادی، سام درخشانی و آن‌هایتا درگاهی در آن بازی کرده‌اند.